

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۱۵ اگست ۲۰۲۲



شمی صلواتی

شاعری یک شغل است مثل بقیه شغلها،

نه یک قهرمان ملی، نه یک رهبر سیاسی، و نه به عنوان یک انسان برتر و صاحب امتیاز در جامعه....
«توضیحی کوتاه برای دوستداران امیر هوشنگ ابتهاج در جواب به انتقادهای آنها»

*من از نوجوانی با هیولائی به نام جمهوری اسلامی مبارزه می کنم و می خواهم آن نه تنها از جامعه ایران بلکه از تمام منطقه جارو شود تا ما مردم بتوانیم یک سیستم انسانی جایگزین آن کنیم. به همین دلیل هنوز در صف انقلابیون کمونیستم !!.....

« بر اساس یک سیستم شورائی»

قطعاً تا آخرین لحظه حیات زندگی دست از تلاش برای سرنگونی این هیولای خون آشام بر نخواهم برداشت و در این راه بسیار جدی هستم...»

«شعر!!...»

*شعر و در کل هنر برای من، وقتی که ارزش شغلی پیدا می کند، کالائی برای فروش و امرار معاش، ارزش هنری ندارد. چون فقط تجارت است...

«مثل خوانندگی، مثل آشپزی، مثل نقاشی، مثل بنائی، مثل خیاطی، مثل باغبانی، مثل نجاری» که انسانها می توان یک رابطه عمیق عاطفی با همه این صاحبان مشاغل برقرار کنند. اما نمی تواند آنها را قهرمان یا رهبر سیاسی دانست و از آنان بت ساخت، صاحبان این مشاغل برای معاش و امور زندگی مجبورند به ساز مشتری پولدار برقصند مثل امیر هوشنگ ابتهاج مهمان خودی و رفیق آیت الله خامنه ای .

کسی که از احترام بارگاه شاهانه برخوردار بود یا مثل حافظ که در وصف شاه شجاع «جنایتکار و خدای چهل زمانه» شعر سروده...»

*من حق دارم به عنوان یک انسان کنشگر، او را «ابتهاج» نقد کنم و از این که با جانی هم دست بود و در طول چهل و سی سال جنایت حکومت اسلامی سکوت بود...

در مورد حمله و فتوای خمینی به کردستان اعتراضی نداشت؛

قتل عام زندانیان سیاسی ۶۷ را دید و شنیده اعتراضی نکرد؛

کشتار ۸۸ را دید و شنید شعری نگفت؛

و در آبان-عقرب- ۹۸ نه برای دفاع از مردم معترض بلکه برای دلجوئی و دلگرمی آیت الله خامنه ای در سوگ حسین

اشک ریخت و شعر نوشت به عنوان شاهی عینی که کتمان حقیقت بود نقد کنیم و او را بدنام بنامم!.....»

*به نظر من هوشنگ ابتهاج یک انسان مماشاتگر و در صف جمهوری اسلامی بود در صف حزب اللهی ها بود..

یکی بود مثل بقیه آیت الله ها و از دوستان نزدیک آیت الله خامنه ای که ابتهاج او را آغا خطاب می کرد.

«و اما من!!»

دو اولویت اساسی دارم یکی مبارزه با اسلام سیاسی که مانع بزرگی بر سر راه رسیدن به جامعه انسانی ست؛
ودوم ناسیونالیسم ایرانی که مانعی برای سرنوشت جمهوری اسلامی با دامن زدن به گرایش ضدانسانی، تبعیضات قومی تحت عنوان تمامیت ارضی «فاشیست» و جدائی هاست.

که بر دو پایه جعل تاریخ!! بر اساس تمدن ۲۵۰۰ ساله پادشاهی و شیعه گری پایه ریزی شده است .
برای رسیدن به هدف که همان جامعه انسانی ست باید در کنار نقد درستی از مذهب این صنعت بازدارنده شعور؛
ناسیونالیسم را هم به نبرد فرا خواند و نباید بی تفاوت بود.

در کنار خرافه زدائی باید اشرافیت و تمدن دروغین ۲۵۰۰ ساله که بر اساس جنایت و ریاکاری توسط حاکمان جنایتکاران ثبت شده نیز مورد نقد و بررسی قرار داد..

پایه ریزی یک جامعه انسانی نه بر اساس افتخارات جعلی در گذشته بلکه بر اساس منطق و شعور انسان امروزی و با هدف فردای بهتر بدور از گرایشات مذهبی ساخته شود....» ۱۳ اگست ۲۰۰۲ میلادی شمی صلواتی